



تبیین فقهی جنگ روانی

فلسفه و کلام :: نشریه مطالعات فقه امامیه :: پاییز و زمستان ۱۳۹۴ - شماره ۵

صفحات : از ۵ تا ۱۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1115593>

تاریخ داندلود : ۱۴۰۲/۰۷/۳۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- جنگ روانی و آثار مرتبت بر آن در باور و اعتقادات قرآنی و فقه عامه
- بررسی تطبیقی جنگ روانی از دیدگاه فقه امامیه و عامه
- ضد یهودیت
- استراتژی غیر مستقیم و جنگ روانی
- نگرش مثبت به دنیا و نقش آن در تعلیم و تربیت انسان از دیدگاه امام علی علیه السلام
- جستاری در استراتژی جنگ روانی پیامبر اسلام (ص)
- الهیات یهودی و روح تجدد
- اخلاق یهودی
- سازگاری معنویت و مدرنیته
- شناخت شناسی علم علوی در نهج البلاغه
- جنگ روانی یهود علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)
- سوگیری شناختی پردازش اطلاعات هیجانی در افراد مضطرب، افسرده و بهنجار

عناوین مشابه

- تبیین روانشناختی تاثیر روانی جنگ بر نیروهای نظامی و خانواده های آنان (مورد مطالعه پدیده روانی خستگی ناشی از جنگ)
- تبیین جنگ داخلی سوریه بر مبنای عوامل داخلی و منطقه ای
- آثار دستاوردهای تعالی فرهنگ در برائو نماز مطالعه موردی «مقابله یا عملیات روانی جنگ نرم دشمنان
- تبیین فقهی- پزشکی خلاهای تقنینی مربوط به دیه عقل
- تبیین الگوهای نظام حقوقی، اجتماعی و رفاهی دولت و نقش آن در تغییرات سبک زندگی جانبازان جنگ تحمیلی
- تبیین دلالت های فقهی مفهوم مرز در حکمرانی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران
- تحلیل فقهی - حقوقی نقش عرف در تبیین تعهد به رد ثمن پولی در صورت بطلان بیع
- تبیین رابطه تحقق قرارداد روان شناختی ادراک شده (PPCF) با سلامت روانی و قصد جابجایی بر پایه مدل JD-R
- عملیات روانی: بررسی جایگاه جنگ نرم در سیره امام سجاد(ع)
- تبیین و تحلیل مواضع کاربرد اصالة الحقیقه در آرای فقهی باب حج

دوفصلنامه علمی — ترویجی مطالعات فقه امامیه بر اساس نامه شماره ۱۳۶۳۳ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی شورای عالی حوزه‌های علمیه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۹ از شماره دوم حایز رتبه علمی — ترویجی گردیده است.

تبیین فقهی جنگ روانی*

چکیده

جنگ روانی با توجه به پیشرفت شگفت‌انگیزی که در عرصه فناوری ارتباطات رخ داده است، به کارآمدترین و مهم‌ترین ابزار در خدمت منافع و مقاصد دولت‌ها تبدیل شده است. جنگ روانی با عنایت به این مفاهیم که بهترین سیاست‌ها در جنگ، تسخیر سرزمین بدون خونریزی است و اینکه بالاترین هنر، پیروزی در نبرد نیست، بلکه تسلیم کردن دشمن بدون پیکار و خونریزی است، پارادایمی نو در عرصه روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. جنگ روانی به اندازه‌ای حائز اهمیت است که سطح تخریب و ویرانی در این گونه تهاجم‌ها و تجاوزها به شدت بالاتر و سهمگین‌تر از جنگ سخت است و می‌تواند در فاصله زمانی کوتاه موجب اختلال و برهم خوردن نظم عمومی جامعه و از بین رفتن استقلال کشور و در نتیجه تسلیم در مقابل دشمن شود. به سبب این اهمیت لازم است ابعاد و زوایای مختلف جنگ روانی مورد تحلیل فقهی قرار گیرد. در مقاله حاضر با تتبع در آیات قرآن و روایات، وجوب جنگ روانی در برابر دشمن اثبات شده است و نیز دلیل عقل و اجماع در این باره بررسی شده و برای اثبات وجوب آن به قاعده فقهی اختلال نظام نیز تمسک شده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ روانی، فقه، خدعه، تاکتیک‌های جنگ روانی، اختلال نظام، نفی سبیل.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۴/۱۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۶/۱۰.
** استادیار دانشگاه امام صادق × (Sa_H114@yahoo.com).

پس از انقلاب صنعتی و رشد روزافزون فناوری، حوزه عملکرد و مفهوم ارتباطات متنوع شد؛ چنان‌که در پایان قرن بیستم، انقلاب سوم فناوری در حوزه ارتباطات در سطح جهانی رخ داده و به قول دانشمندان بین فناوری‌ها مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده مسئله جهانی شدن را فراهم ساخته است. انقلابی که حول فناوری ارتباطی و اطلاعاتی به وقوع پیوسته است زمینه‌ساز تغییر پارادایم فناوری، از فناوری صنعتی به فناوری اطلاعاتی شده، به طوری که امروزه میزان برخورداری کشورها از اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی مبین قدرت آن‌ها در عرصه بین‌المللی است. از این‌رو، می‌توان اذعان داشت که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به منظور تأثیرگذاری بر روح و روان ملت‌ها به عنوان منبع قدرت ملی و شاید به عنوان مهم‌ترین ابزار قدرت کشورها مطرح شده است. امروزه با پیشرفت در زمینه فناوری اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی و نوآوری‌های مرتبط اطلاعاتی، تحولات عظیم در نحوه جنگیدن حاصل شده است و جنگیدن به معنای اصطلاحی آن یعنی استفاده از جنگ‌افزارها و تسلیحات نظامی تغییر ماهیت پیدا کرده و به تقابل و درگیری در عرصه روح و روان ملت‌ها کشیده شده است که چنین تقابلی در اصطلاح به جنگ روانی تعبیر شده است.

در جنگ روانی، مسائل روحی و روانی به عنوان یک منبع و سلاح استراتژیک در بین قدرت‌ها شناخته می‌شود، به طوری که دشمنان در صدد هستند با استفاده از ابزارها و تکنیک‌های مرتبط با جنگ روانی، دارایی‌های استراتژیک ملی را مانند عناصر اولیه و جهت‌نظامی یا زیرساخت‌های ملی را در معرض خطر قرار دهند. به عبارت دیگر، هدف عمده از چنین حملاتی تخریب و انفجار نیست، بلکه ایجاد اختلال بزرگ مقیاس یا گسترده در دارایی‌های استراتژیک ملی و در نهایت تسلیم کردن طرف مقابل با کمترین هزینه می‌باشد؛ و این بسیار خطرناک‌تر از حمله نظامی است، زیرا اولاً: در حمله نظامی که آشکار است، دشمن تجاوزگر دیده می‌شود و نحوه تجاوز او آشکار و روشن است، ولی در جنگ روانی حملات به صورت مخفیانه و پنهانی انجام می‌پذیرد و باعث اختلال و نارضایتی عمومی می‌شود و امنیت کشور به خطر می‌افتد. ثانیاً: اگرچه در ظاهر تلفات نیروی انسانی بسیار کمتری نسبت به حمله نظامی در جنگ‌های روانی دیده می‌شود، ولی در زمان اندکی موجودیت و استقلال کشور در معرض نابودی قرار می‌گیرد و این چیزی است که در گونه‌های دیگر جنگ بسیار کم دیده شده که کشوری در فاصله زمانی اندک تسلیم شود. از دیگر خصوصیات این‌گونه جنگ که آن را از جنگ‌های سنتی متمایز می‌سازد، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

یک. این اقدامات منازعه‌ای قطعی، مداوم و فراگیر هستند که توسط قدرت سیاسی علیه یک کشور انجام می‌شود.

دو. اهدافی که در این تهاجمات تعریف شده‌اند نه تنها کمتر از اهداف جنگ نیستند، بلکه فراگیر هستند.

سه. دایره تهاجم به هیچ‌گونه محدوده‌ای محدود نیست و وسعت آن به اندازه همه عرصه‌ها و کانون‌ها و بنیان‌های کشور هدف تعمیم

می‌یابد (اقتصاد، جامعه، حاکمیت مردم) و به تعبیر دقیق‌تر، نبردی فراگیر است.

چهار. ابزارها و روش‌هایی که در این جنگ به کار می‌روند بسیار متنوع بوده و نوعی جنگ رسانه‌ای، اطلاعاتی، دیجیتالی،

اجتماعی و انقلابی را به طور هم‌زمان مورد استفاده قرار می‌دهند.

پنج. این جنگ پایدار و مداوم است و ممکن است استفاده از تمامی ظرفیت‌ها تا مشخص شدن غالب و مغلوب، ده‌ها سال

طول بکشد.

از این‌روست که در جنگ‌های نوین دیگر نمی‌توان ادعا کرد که پیروزی به این بستگی دارد کدام‌یک از طرفین بیشترین مقدار

سرمایه، نفرت و فناوری را به میدان نبرد می‌برد، بلکه مهم است که کدام‌یک از طرفین بهترین شرایط روحی روانی مرتبط با میدان

نبرد را در اختیار دارد.

با بیان اهمیت و جایگاه موضوع مورد بحث، لازم است این مسئله نوپیدا را با نگاهی بین‌رشته‌ای از ابعاد و زوایای مختلف

بررسی کنیم. این نوشتار صرفاً در پی آن است که به تبیین جواز یا عدم جواز جنگ روانی به عنوان پدیده مبتلابه روز از منظر فقه امامیه و دیدگاه فقهای متأخر و متقدم بپردازد. با این بررسی انعطاف و قابلیت فقه در قبال مسائل و موضوعات مستحدثه بیش از پیش بر همگان آشکار می‌گردد. باشد که با این‌گونه مطالعات گامی اولیه برای نمایان ساختن توان و ظرفیت عظیم فقه امامیه در پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده و مبتلابه فقهی برداشته شود.

ماهیت و تعریف جنگ روانی

جنگ روانی از جمله مفاهیمی است که در چند دهه اخیر وارد ادبیات سیاسی و ارتباطی شده است. درباره تعریف جنگ روانی دائرة المعارف بریتانیا چنین می‌نویسد: «فرایند بهره‌برداری صحیح و طراحی شده از تبلیغات که هدف اصلی آن نفوذ در عقاید، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان (افراد دشمن، بی طرف، هم‌پیمان و دوست) و تأثیرگذاری بر آنان، به منظور پیروزی در جنگ و تسلیم کامل نیروهای دشمن و تضعیف روحیه آنان است» (سایست بریتانیکا، ر.ک افتخاری، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۰). در تعریفی مشابه در این باره آمده است: «جنگ روانی استفاده دقیق از تبلیغات و دیگر اعمالی است که هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، انگیزه‌ها و رفتار دشمن، افراد بی طرف یا دوست است، به نحوی که عامل پشتیبانی برای برآوردن مقاصد و اهداف ملی باشد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۵).

برای توضیح بیشتر این مفهوم در پرتو استفاده از آخرین تعریف جنگ روانی می‌پردازیم:

استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات و سایر اعمال که بیش از هر چیز با هدف تأثیرگذاری بر نظرات، احساسات، تواضع، رفتار افراد و گروه‌های مختلف به شیوه‌ای خاص و در زمان گوناگون انجام می‌شود، را جنگ روانی گویند. در تعریف دیگری آمده است جنگ روانی جنگی است که برای انتقال اطلاعات و نشانه‌های گزینش شده با هدف تأثیرگذاری بر هیجان‌ها، انگیزه‌ها، استدلال عینی مخاطبان خارجی، رفتار دولت‌های بیگانه، سازمان‌ها و تک‌تک افراد طرح‌ریزی و اجرا می‌شود. ارتش آمریکا در آخرین دستورالعمل خود جنگ روانی را این‌گونه تعریف نموده است: «جنگ روانی تلاشی برای شکل‌دهی به افکار و رفتار جمعیت هدف و شکل‌دهی به محیط عمل از طریق اطلاع‌رسانی هدفدار می‌باشد. جنگ روانی جنگ هدف است. جنگی است که در آن ارتباطات، وسائل ارتباط جمعی، مانند تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، کتاب‌ها، مجله‌ها، موزیک، اینترنت و... برای رسیدن به هدف‌ها استفاده می‌شود» (افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۱-۶۸۰).

در روزگار ما جنگ روانی واژگان هم‌خانواده‌ای دارد که از میان آن‌ها تنها «عملیات روانی» را تعریف می‌کنیم: «عملیات روانی عبارت است از: فرایندی ارتباطی که در آن دو طرف شرکت می‌نمایند و یکی از آن‌ها یا هر دو می‌کوشند تا با تأثیر گذاشتن بر افکار، عواطف و تمایلات طرف دیگر، او را به انجام رفتاری مطابق خواست خود وادار کند (همان: ۶۸۳).

جنگ روانی را می‌توان به مجموع اقدامات یک دولت در جهت نفوذ و تأثیرگذاری بر عقاید و رفتار دولت‌ها و ملت‌ها و تحریک و ترغیب آنان در جهت مطلوب دانست. به طور کلی جنگ روانی این اهداف را دنبال می‌نماید:

۱. ایجاد تفرقه در صفوف دشمن و تضعیف روحیه او و متزلزل کردن ایمانش نسبت به اصول و اهداف.
۲. تضعیف جبهه داخلی دشمن از طریق بی‌اعتماد کردن مردم به مسئولان و سران نظام.
۳. ایجاد شکاف میان دشمن و پیروان و متحدان و دوستانش برای منزوی ساختن او در دولت‌های دیگر یا هواداران وی.
۴. تقویت جبهه داخلی و بالا بردن روحیه معنوی و تعمیق و تأیید ایمان نسبت به دین و میهن و پاکسازی فضای مسموم تبلیغاتی دشمن.

۵. سست کردن باورها، آداب و رسوم و انگیزه‌های آنان.

از مهم‌ترین ابزار تحقق این اهداف و کارکردهای جنگ روانی، رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها از اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین ابزارهای

جنگ روانی محسوب می‌شوند. در واقع رسانه‌ها را می‌توان سلاحی دانست که با نفوذ در عواطف، عقاید، نظرات و اراده گروه‌های اجتماعی، زمینه مساعد را برای پیشبرد اهداف ملی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و سایر حوزه‌ها هموار می‌سازد و پیروزی در عرصه‌های مختلف را تأمین می‌کند.

تبیین فقهی جنگ روانی

با این توضیح باید گفت گرچه به طور مشخص و واضح در متون فقهی و کلام فقها، تعبیر جنگ روانی به کار نرفته است، با توجه به تعریف جنگ روانی و اهداف جنگ روانی، می‌توان این مسئله مهم روز را مورد بررسی و تحلیل فقهی قرار داد. عناصر و اجزای تشکیل دهنده جنگ روانی از جمله مقولاتی است که فقها در متون فقهی بدان توجه داشته و آن را از ابعاد و زوایای مختلف بررسی فقهی کرده‌اند و حکم به جواز جنگ روانی داده‌اند. علامه حلی، فخر المحققین، محقق ثانی، شهید ثانی، کاشف الغطا، و محقق سبزواری از آن دسته از فقهای امامیه هستند که با توجه به عناصر تاکتیک‌های جنگ روانی حکم به جواز جنگ روانی داده‌اند (محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳/۴۶۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹: ۴/۳۷۶ و سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۵/۱۲۷).

فقها در جواز جنگ روانی به ادله مختلف فقهی تمسک کرده‌اند که در این مجال به تفصیل به تبیین استدلالات فقهی آنان

می‌پردازیم:

الف. قرآن

قرآن کریم در آیات فراوانی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به مسئله به کارگیری ابزارهای جنگ روانی پرداخته است. این آیات را به طور کلی می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد:

- آیاتی که به مسئله جهاد علیه دشمنان می‌پردازد

از جمله آیات قرآن کریم که می‌توان جواز جنگ روانی علیه دشمن را بدان مستند کرد، آیاتی است که به مسئله جهاد علیه آنان می‌پردازد:

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸).

فقها با استناد به این آیه شریفه، و جوب جهاد را متذکر می‌شوند؛ آنان معتقدند صیغه امر «جاهدوا» دلالت بر وجوب دارد از

این رو، دفاع و جهاد در برابر حملات و تهاجمات دشمن واجب است (خراسانی، ۱۴۱۴: ۱/۳۴۲).

از دیگر آیاتی که به وفور مورد استناد فقهای متقدم و متأخر در وجوب جهاد واقع شده است می‌توان به آیات شریفه ذیل اشاره

نمود:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (توبه: ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران

و منافقان جهاد کن و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است و چه بد سرنوشتی دارند.

فَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (فرقان: ۵۳)؛ بنابراین کافران را اطاعت مکن و به وسیله آن (قرآن) با

آنان جهاد بزرگی بنما.

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)؛

(همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید سبکبار باشید یا سنگین‌بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید

این برای شما بهتر است اگر بدانید.

فقهای امامیه با استناد به آیات شریفه معتقدند هنگامی که کفار بر مسلمانان هجوم آورند و به دارالاسلام قدم نهند تا آن را به

تسخیر خود درآورند، جهاد و مقاتله و دفع کافر و حفظ بیضه اسلام که اصل مجتمع اسلام است، بر همه مسلمانان واجب

می‌شود. در این باره مرحوم ابن ادریس حلی در کتاب السرائر مانند شیخ طوسی در نهاییه «بیضه الاسلام مجتمع الاسلام و اصله»

و مرحوم شهید اول و شهید ثانی نیز «بیضه الاسلام» را به همین‌گونه تفسیر کرده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲/۳۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹:

نعم لو أراد الكفار محو الإسلام ودرس شعائره وعدم ذكر محمد | و شریعتہ فلا إشکال فی وجوب الجهاد حینئذ و لو مع الجائر لکن بقصد الدفع عن ذلك لا إعانة سلطان الجور، بل الإجماع بقسمیه علیه، مضافاً إلى النصوص بالخصوص التي تقدم بعضها، و إلى عموم الأمر بالقتال فی الآيات المتکثرة الشاملة للفرص، بل ظاهر الأصحاب أنه من أقسام الجهاد فتشمله حینئذ آیاته و روایاته و إن كان لا یشرط فیہ الشرائط الخاصة التي هی للجهد الابتدائی للدعاء إلى الإسلام؛ هرگاه کفار بخواهند اسلام و دین پیامبر خدا | را نابود سازند و شعایر اسلام را کهنه ساخته و از بین ببرند، اشکالی در وجوب جهاد حتی با پیشوای ستمگر نیست، ولی باید به قصد دفاع از اسلام انجام شود نه به قصد یاری و کمک حاکم ظالم. اجماع محصل و منقول هر دو بر این مطلب دلالت می‌کند؛ علاوه بر آنکه برخی از روایات و عموم دستور به جهاد، در آیات و بسیاری که شامل این مسئله می‌شود، بر وجوب آن دلالت می‌کند، بلکه ظاهر کلام اصحاب این است که آن، یکی از اقسام جهاد است و از این رو، آیات و روایات جهاد شامل این مورد نیز می‌گردد (نجفی، ۱۹۸۱: ۴۸/۲۱ - ۴۷).

از این رو، بر اساس این دسته از آیات قرآن کریم و تمسک به عمومیت آیات، در شرایطی که کیان و موجودیت اسلام و جامعه مسلمانان با هجوم بی‌وقفه و گسترده تبلیغاتی و روانی دشمنان به خطر افتاده باشد و شرایط به گونه‌ای باشد که بیم و هراس از نابودی اسلام در کار باشد، دفاع واجب بوده و لازم است با قوای تبلیغاتی و روانی علیه تهاجم دشمن مقابله به مثل کرد. البته ممکن است اشکال شود این آیات انصراف به موارد قتال و جنگ فیزیکی با دشمنان دارد و شامل موارد جنگ روحی و روانی نمی‌شود. در جواب این اشکال جواب خواهیم داد: از لحاظ فقه اللغة واژه قتال و جهاد با یکدیگر متفاوت اند. واژه جهاد از ریشه «جهد» به معنای وسع و طاقت گرفته شده است و در اصطلاح جهاد به معنای تحمل مشقت با به کار بستن تمام توان است. در این باره علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «جهاد با یک گروه عبارت است از به کارگیری تمام توان برای مقاومت در برابر آن‌ها، چه این مقاومت با زبان بیان حقایق و دعوت و ارائه استدلال‌ها صورت پذیرد و چه به مبارزه فیزیکی (درگیری و جنگ) بینجامد» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۵۶/۹). برای روشن شدن بیشتر موضوع تنها به توضیحی فشرده درباره یکی از این آیات می‌پردازیم و آن آیه ۵۳ فرقان است: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ از کافران پیروی مکن و با آنان به وسیله قرآن مبارزه کن؛ مبارزه‌ای بزرگ».

ضمیم (به)» به قرآن برمی‌گردد و طبق این آیه ابزار و سلاح مبارزه با کفار، قرآن است و آموزه‌های آن. در این مبارزه به جای توپ، تانک و موشک، شمشیر، نیزه و گرز، از معارف الهی استفاده می‌شود که خدای متعال در قرآن نازل کرده و در بردارنده، منطق، استدلال، حکمت و انواع دانش‌ها در حوزه‌های مختلف است که همه آن‌ها درست، صحیح و جذاب است و بخشی از آن‌ها به انسان امید می‌دهد و بخشی بیم‌دهنده و در نتیجه انگیزه‌آفرین است و به تعبیر دیگر کوبنده و ویران‌گر اندیشه‌های باطل و انگیزه‌های شیطانی و باورهای خرافی است و این نکته، یعنی مرجع ضمیم (به)» در این آیه، نشانه روشنی است که مقصود از جهاد، جهاد فرهنگی است و نه مبارزه فیزیکی در میدان جنگ. در واقع همان‌طور که اشاره شد، «جهاد» به معنای مبارزه خستگی‌ناپذیر در رویارویی با کافران در همه ابعاد زندگی است که در این آیه به طور صریح و دست کم با ظهور روشنی به این نکته اشاره شده است. نکته مهم آن است که قرآن به ما هشدار می‌دهد که این جهاد و مبارزه بسیار بزرگ، خطیر و عظیم است: «جهاداً کبیراً» و به عبارت دیگر جنگ و مبارزه فرهنگی بزرگ‌تر، سنگین‌تر و عظیم‌تر و مؤثرتر است از مبارزه فیزیکی در میدان نبرد.

علامه طباطبایی در ذیل آیه سوره تحریم بار دیگر بر همین دیدگاه تأکید کرده و با انگشت نهادن به این معنا می‌نویسد: «جهاد به کار بردن همه توان در اصلاح آنان (کفار و منافقان) و دفع شر آنان است» (همان: ۵۶۵/۱۹).

از این رو، ثابت می‌شود جهاد به عنوان یک مبنا برای رفتار با دشمنان دین، عبارت است از جدیت، کوشش و مبارزه خستگی‌ناپذیر و مقاومت در برابر آنان و تحمل دشواری‌های آن در تمام عرصه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره که از

مهم‌ترین عرصه‌ها (که محل نزاع نیز در واقع همین جاست)، عرصه تبلیغاتی و فرهنگی و عقیدتی است.

- آن دسته از آیات که به مقابله به مثل فرامی‌خواند

مقابله به مثل یک گرایش فطری و نوعی بشری در بین همه عقلا و در عرف گسترده همه ملت‌ها و جوامع جهانی به وجود آمده است و منحصر به دین و مکتب یا منحصر به اسلام و مسلمان نیست. از این‌رو، این قاعده قاعده‌ای نیست که بتوان گفت اسلام آن را وضع و تأسیس کرده باشد، بلکه این قاعده عرفی است که بنای عقلا بر این قاعده استوار است. مهم‌ترین آیه‌ای که بر اعتبار اصل مقابله به مثل دلالت نموده و بیشترین حجم بحث‌های تفسیری و فقهی را در این زمینه به خود اختصاص داده، آیه ۱۹۴ سوره بقره است:

«فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ؛ هرکس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید».

در آیه شریفه، مراد از اعتدا و تجاوز اولی، همان ظلم و تعدی و معصیت است و اعتدای دوم، جزاء و کیفر ظلم اولی است و در واقع ظلم نیست و این جزای ظلم و تجاوز به دلیل رعایت مشاکله و هم‌شکل بودن، به اعتدا تعبیر شده است (اردبیلی، بی‌تا: ۳۱۰).

آیات دیگر قرآن کریم که دلالت بر این اصل سرنوشت‌ساز می‌کنند عبارت‌اند از:

وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا (شوری: ۴۰)؛ کیفر بدی، مجازاتی است همانند آن.

وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ (حج: ۶۰)؛ و هرکسی به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند.

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ (نحل: ۱۲۶)؛ هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید.

فقه‌ها با استناد به این آیات شریفه، معتقدند در صورتی که خطر از میان رفتن بیضه اسلام باشد و اصل اسلام و مجتمع اسلامی در خطر باشد، دفاع از اسلام واجب است و جنگ به قصد دفاع از نفس، اسلام و مسلمانان لازم (فاضل مقداد، بی‌تا: ۳۴۴). باید دقت داشت در اعمال سیاست مقابله به مثل، چه در حوزه دفاع از دین و مملکت اسلامی و چه در حوزه دفاع از شخص مسلمان در ابعاد روانی، بر اساس عبارت «ولا تعتدوا» باید آن‌چنان دقت و ظرافتی به کار گرفته شود که مقابله با متجاوز، خود به عمل تجاوز تبدیل نگردد که تجاوز هرگز مجوز تجاوزی دیگر نیست و در اجرای سیاست مقابله به مثل نیز باید جانب عدالت و تقوی را نگه داشت. فقها منظور از «لا تعتدوا» را تصمیم به شروع جنگ، شروع ناگهانی و یکباره جنگ دانسته‌اند (همان و اردبیلی، بی‌تا: ۳۰۷). این امر است که بنابر به عموم آیه منحصر به جنگ‌های سخت نیست و جنگ روانی را نیز شامل می‌شود.

- آیاتی که مسلمانان را به مجهز شدن به سلاح‌های روز وامی‌دارد

از دیگر آیاتی که بر جواز جنگ روانی دلالت دارد، آیاتی هستند که خدا به مسلمانان دستور می‌دهد تا خود را به سلاح‌های روز مجهز کنند. قرآن کریم به مسلمانان تأکید کرده است تا کلیه نیروها و امکاناتی را که می‌توان در راه جنگ و دفاع و رسیدن به قدرتی بازدارنده به خدمت درآورد، فراهم کنند که از جمله این قدرت‌ها مجهز شدن نیروها به ابزارها و تکنیک‌های جنگ روانی است. خدا در این باره می‌فرماید:

وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُثَبِّتُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال: ۶۰)؛ و شما در مقابله با آن‌ها،

هرچه در توان دارید، از آلات جنگی و اسبان تازه‌نفس و آماده، برای تهدید و ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم آورید. و بر دیگران که شما از دشمنی آنان مطلع نیستید و خدا به آن‌ها آگاه است نیز مهیا باشید و...

واژه «قوه» نیز اصطلاحاً به هرگونه سلاح و ابزار نظامی گفته می‌شود که باعث تقویت روحیه رزمندگان در مقابل تجاوز دشمن

در میدان جنگ باشد (فاضل کاظمی، بی‌تا: ۹۸/۳).

از این رو، بنابر اطلاق واژه «قوه»، انواع سلاح‌ها، نیروهای انسانی، استحکامات نظامی و به طور کلی هر چیزی که جنگیدن و دفاع توسط آن امکان‌پذیر گردد و پشتوانه مادی و معنوی جنگ به حساب آید، در دایره شمول قوه قرار خواهد گرفت. مقاوم‌سازی باورهای ایدئولوژیک و تقویت روحیه نیروهای خودی و تضعیف نیروهای دشمن با شیوه‌های جنگ روانی نیز از جمله آن قرار می‌گیرد. در روایتی از امام صادق × این شیوه جنگ روانی مد نظر قرار گرفته است و رنگ کردن موهای سفید به وسیله رنگ سیاه به منظور مرعوب ساختن دشمن مورد اشاره قرار گرفته است. در این باره از امام صادق × نقل شده است:

فی قول الله عز و جل وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ، قال: منه الخضاب بالسواد (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳: ۱۲۲)؛ از مصادیق قوه در آیه شریفه «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» رنگ کردن موهای سفید با رنگ سیاه است.

همچنین در این باره از امام باقر × آمده است:

أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ | فِي غَزَاةٍ غَزَاهَا أَنْ يَخْتَضِبُوا بِالسَّوَادِ لِيَقْوُوا بِهِ عَلَى الْمُشْرِكِينَ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶/۴۸۱)؛ رسول خدا در جنگ‌ها دستور می‌داد که برای پیروز و غلبه بر دشمن موهای سفید را رنگ سیاه بزنند.

بی‌شک رنگ کردن ریش‌ها و موها و در نتیجه جوان و نیرومند نشان دادن رزمندگان بر قدرت فیزیکی آنان نمی‌افزاید، بلکه تنها بدین سبب که آن‌ها را جوان و شاداب می‌نماید در دل دشمنان ترس، رعب و وحشت ایجاد می‌کند و یکی از مصادیق جنگ روانی به شمار می‌آید. پس طبق این دو روایت تفسیری، بی‌تردید کلمه «قوه» در آیه شریفه اطلاق دارد و شامل قدرت بر جنگ روانی و سلطه بر فنون، راه و روش و تکنیک‌ها و تاکتیک‌های آن نیز می‌گردد.

- آیاتی که به القای رعب و وحشت انداختن دشمنان اشاره دارد

از دیگر ادله جواز جنگ روانی در قرآن کریم، آن دسته از آیاتی هستند که خداوند مؤمنان را از امدادهای غیبی به وسیله القای رعب و ترس در دل دشمنان آگاه می‌سازد. چنان‌که اشاره شد، از مهم‌ترین اهداف جنگ روانی، القای رعب و وحشت در دل نیروی دشمن است؛ این ترس و اضطراب و نگرانی در دل آنان چنان مسلط می‌شود که قادر به ماندن در میدان جنگ و پایداری در برابر مسلمانان نمی‌شوند.

این عامل در آیات متعدد قرآن مجید مطرح شده و به شکلی مورد تأیید قرار گرفته است. خداوند در این آیات به مسلمانان وعده می‌دهد که در آینده دشمنانشان را مرعوب آنان خواهد کرد و بدین وسیله شجاعت و شهامت مبارزه و پیکار با مسلمانان را آنان خواهد گرفت. این آیات عبارت است از:

سُنِّلِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا أَوْاهُمُ النَّارُ وَ بَسَّ مَثْوَى الظَّالِمِينَ (آل عمران: ۱۵۱)؛ به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند هراس افکنیم. زیرا چیزی را با خدا شریک گردانده‌اند که حقانیت آن دلیلی تازه نازل نکرده است.

در شأن نزول آیه در تفسیر مجمع البیان چنین آمده است:

چون ابوسفیان و مشرکان روز احد، رو به مکه کردند در بین راه با خود گفتند بد کردیم که آن‌ها را در حالی که جز رمقی از ایشان باقی نمانده رها نمودیم، برگردیم و به کلی آن‌ها را ریشه‌کن سازیم. چون چنین تصمیم گرفتند خداوند در دلشان ترسی افکند تا از قصد خود باز گشتند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴/۲۹۲).

همچنین در آیه‌ای دیگر خداوند عامل پیروزی مسلمانان را این‌گونه بیان می‌کند:

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَّوْا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاصْبِرُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اصْزِرُّوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (انفال: ۱۲)؛ و (به یاد آر) موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت قدم دارید! به زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌فکنم، ضربه‌ها را بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید! و همه انگشتانشان را قطع کنید.

همچنین خداوند در مورد آنچه در گذشته اتفاق افتاده و با کمک او در القای رعب و وحشت در دل دشمنان سبب پیروزی

مسلمانان و شکست کفار شده است، چنین می فرماید:

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَافِيهِمْ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا

(احزاب: ۲۶)؛ و خداوند گروهی از اهل کتاب (یهود) را که از آنان (مشرکان عرب) حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان

پایین کشید و در دل‌هایشان رعب افکند (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رسانید و گروهی را اسیر

می‌کردید.

از این دسته آیات استنباط می‌شود خداوند در صدد بیان یک اصل و قاعده کلی در جنگ علیه دشمنان در میدان‌های مختلف

است و آن ایجاد رعب و وحشت در سپاه دشمنان به منظور تقویت روحیه در بین نیروهای خود و تضعیف روحیه دشمن می‌باشد

و مسلمانان لازم است این اصل و قاعده را در جنگ‌ها به ویژه جنگ روانی به کار برند.

ب. روایات

۱. روایتی از امام صادق × رسیده است که از جمله مهم‌ترین مستندات جنگ روانی محسوب می‌شود، در این روایت آمده

است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْحَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ

عَنْ أَبِيهِ × أَنْ عَلِيًّا × كَانَ يَقُولُ لَأَنْ تَخْطِفَنِي الطَّيْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ | مَا لَمْ يَقُلْ سَمِعْتُ رَسُولَ

اللَّهِ | يَقُولُ فِي يَوْمِ الْخَنْدَقِ - الْحَرْبِ خُدْعَةٌ يَقُولُ تَكَلَّمُوا بِمَا أَرَدْتُمْ (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/ ۱۶۲ و ۱۶۳)؛ امام باقر ×

فرمود که امیر مؤمنان × می‌فرمود: اینکه مرا از فال بد حفظ کنی بهتر است نزد من از اینکه نسبت بدهم به پیامبر آنچه را

نگفته است. شنیدم پیامبر در روز خندق که می‌فرمود: جنگ خدعه است و اینکه هر چه می‌خواهید بگویید.

علامه حلی، صاحب جواهر، محقق سبزواری و آیت‌الله خویی با توجه به این روایت به جواز جنگ روانی فتوا داده‌اند (علامه

حلی، بی تا: ۸۴/۹؛ حلی، ۱۴۱۲: ۱۱۶/۱۴؛ نجفی، ۱۹۸۱: ۸۰/۲۱؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۷۳/۱؛ سبزواری ۱۴۱۳: ۱۵/۱۲۸).

۲. روایت دیگری که ناظر به جنگ روانی مسلمانان علیه دشمن می‌باشد، سخنی است از امیر مؤمنان × در جنگ صفین که در

جهت تقویت روحیه خود و تضعیف روحیه دشمن است:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنِي شَيْخٌ مِنْ وُلْدِ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ

أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ وَ كَانَ مَعَ عَلِيٍّ × فِي غَزْوَتِهِ أَنْ عَلِيًّا × قَالَ يَوْمَ التَّقِي هُوَ وَ مَعَاوِيَةُ لَعَنَهُ اللَّهُ بِصَفِينٍ فَرَفَعَ

بِهَا صَوْتَهُ يَسْمَعُ أَصْحَابَهُ وَ اللَّهُ لَأَقْتُلَنَّ مَعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابَهُ ثُمَّ قَالَ فِي آخِرِ قَوْلِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ خَفَضَ بِهَا صَوْتَهُ فَكُنْتُ

قَرِيبًا مِنْهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّكَ حَلَفْتَ عَلَيَّ مَا قُلْتَ ثُمَّ اسْتَشْنَيْتَ فَمَا أَرَدْتَ بِذَلِكَ فَقَالَ إِنْ الْحَرْبِ خُدْعَةٌ وَ

أَنَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ كَذُوبٍ فَأَرَدْتُ أَنْ أُخْرِضَ أَصْحَابِي عَلَيْهِمْ لِكَيْ لَا يَفْشَلُوا وَ لِكَيْ يَطْمَعُوا فِيهِمْ (طوسی،

۱۴۰۷: ۶/ ۱۶۳)؛ عدی بن حاتم گوید: علی × زمانی که در جنگ صفین با معاویه برخورد نمود صدایش را به قدری بلند

کرد که اصحابش می‌شنیدند و فرمود: به خدا قسم معاویه و یارانش را می‌کشم، سپس در پایان سخن در حالی که من

نزدیک ایشان بودم با صدای آهسته فرمود: ان شاء الله. آنگاه من گفتم: ای امیر مؤمنان، شما بر گفته خود سوگند یاد کردید،

و در پایان به خواست الهی مقید کردید، منظورتان چیست؟ حضرت فرمود: جنگ خدعه است و من در نزد مؤمنان دروغگو

نیستم، خواستم با این سخن اصحاب و یاران خویش را تحریض و تشویق کنم تا سست نشوند و بر آنان غلبه یابند.

علامه حلی و صاحب جواهر نیز جواز خدعه در جنگ را به این روایت مستند کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۱۶/۱۴؛ نجفی،

۱۹۸۱: ۸۰/۲۱).

۳. عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ × قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ | لَا يَصْلِحُ الْكُذْبُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ كَذِبَ الرَّجُلِ لِامْرَأَتِهِ وَ

كَذِبَ الرَّجُلِ يَمْشِي بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ لِيَصْلِحَ بَيْنَهُمَا وَكَذِبَ الْإِمَامِ عَدُوَّهُ فَإِنَّمَا الْحَرْبُ خُدْعَةٌ (طوسی، ۱۴۰۷: ۶/ ۱۶۲)؛

علی × از پیامبر خدا چنین نقل می‌کند: دروغ جایز نیست مگر در سه مورد: مرد به زنش، برای اصلاح بین دو نفر و فرمانده به دشمنش، همانا جنگ فریب است.

طباطبایی در عمدة المطالب در جواز خدعه در جنگ به این روایت استناد کرده است (طباطبایی، همان: ۱/۳۶۸).

۴. ثَلَاثٌ يَحْسُنُ فِيهِنَّ الْكُذْبُ الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَ عِدَّتُكَ وَ زَوْجَتَكَ وَ الْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ (صدوق، ۱۴۱۳:

۳۵۹/۴).

فقها این روایت را در باب مسوغات کذب مطرح کرده‌اند که می‌توان از این روایت در جواز جنگ روانی هم استفاده نمود

(عاملی، ۱۴۱۹: ۲۲۱/۱۲؛ امام خمینی، ۱۴۱۵: ۱۱۶/۲).

علاوه بر روایات، سیره پیامبر اکرم | نیز دلیلی بر جواز استفاده از جنگ روانی علیه دشمن جهت غلبه و پیروزی بر دشمنان می‌باشد. مروری بر تاریخ اسلام و مطالعه سیره نبوی | بیانگر آن است که پیامبر اکرم | از شگرد جنگ روانی و راه‌های مشروع در نبردهای بزرگ خود استفاده می‌کرد و تا جایی که می‌توانست با درهم شکستن روحیه دشمن از سلاح استفاده نمی‌کرد. پیامبر گرامی اسلام | در فتح مکه پس از آنکه به طور ناگهانی مکه را محاصره نمود، دستور داد: شبانگاه برای درهم شکستن روحیه دشمن دورتادور در نقاط مرتفع آتش بر افروزند. مردم مکه ناگهان متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌ای شهر مکه را احاطه نموده است و این امر باعث شد تسلیم شوند و سرانجام مکه، پایگاه عظیم شرک و بت پرستی، بدون خونریزی با استفاده از اصل غافل‌گیری و شیوه جنگ روانی تسلیم شد (واقعی، ۱۴۰۹: ۱۴/۲).

در ماجرای فتح مکه، رسول خدا | برای اینکه فکر هرگونه مقاومت را از ذهن دشمنان بیرون کند، به عباس عموی خود، فرمود:

«ابوسفیان را در تنگنای دره نکه دار تا سپاهیان خدا بر وی بگذرند و او آنان را ببیند.» ابوسفیان پس از دیدن انبوه سپاهیان، با شتاب به سوی مکه رفت و دستور امان را ابلاغ کرد و مردم را از مخالفت و ایستادگی و سرسختی برحذر داشت (ابن هشام، ۱۳۵۵: ۴/۴۶).

اشکالی که در اینجا مطرح است آن است که عده‌ای از فقها به استناد روایتی از پیامبر گرامی اسلام و اطلاق آن، حکم به عدم

جواز مکر و نیرنگ (که از مفاهیم بنیادین جنگ روانی است) می‌کنند. روایت این است:

حضرت پیامبر اکرم | فرموده:

اغْرُوا بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَ لَا تَغْدُرُوا وَ لَا تَغْلُوا (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۸/۶)؛ با نام خدا در راه

خدا پیکار نمایید. بجنگید، اما غل و غش نوزید و خیانت و غدر نکنید....

در این باره شهید ثانی می‌نویسد: «بحرم الغلول منهم، لقول النبي | «لا تَغْلُوا وَ لَا تَمَثَلُوا وَ لَا تَغْدُرُوا» (عاملی، ۱۴۱۳: ۳/

۲۸). در همین زمینه شیخ طوسی در المبسوط (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۹/۲) علامه در تذکره الفقهاء (علامه حلی، بی تا: ۷۹/۹) محقق

اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۴۵۴/۷) به حرمت غدر و نیرنگ و حيله فتوا می‌دهند.

عدم جواز غدر و نیرنگ در جواهر الکلام این چنین نقل شده است:

لا يجوز الغدر بهم بأن يقتلوا بعد الأمان مثلا، قال في مجمع البحرين: «الغدر ترك الوفاء و نقض العهد» بلا خلاف أجده

فيه، للنهي عنه أيضا في النصوص السابقة، مضافا إلى قبحة في نفسه و تنفير الناس عن الإسلام (نجفی، بی تا: ۷۸/۲۱)؛

جایز نیست خیانت به کافران ... خیانت یعنی پیمان شکنی و ترک عهد بدون هیچ گونه قول مخالفی، و روایات از خیانت

باز داشته‌اند. افزون بر اجماع و روایات، خیانت به خودی خود، پدیده‌ای زشت است که انجام آن سبب نفرت مردم از

اسلام می‌شود.

در نتیجه از دیدگاه آنان، هر آنچه تحت عنوان مکر و نیرنگ قرار گیرد، نهی شده است. از این رو، طبق این روایات بر مسلمانان

شایسته نیست که نیرنگ (غدر) کنند و یا دیگران را به نیرنگ تشویق نمایند، زیرا طبق تصریح فقهی امامیه، علاوه بر قبح ذاتی،

موجب اضرار به حیثیت اسلام و جامعه اسلامی خواهد شد.

در جواب این اشکال باید گفت:

اولاً: علی‌رغم اینکه واژگان «خدعه» و «غلول» تقریباً در عرف به یک معنا به کار رفته است، در اصطلاح و تعابیر فقه در معانی متفاوتی به کار رفته است. دو واژه‌ای که در ظاهر بسیار به یکدیگر شبیه می‌باشند، ولی در فقه کاربرد متفاوتی دارند، «خدعه» و «غدر» می‌باشند. «خدعه» در جنگ به اجماع فقها جایز است، ولی غدر به طور مطلق (چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح) به اجماع فقها جایز نیست. ریشه این تعارض احکام را باید در معنای لغوی این دو واژه جست‌وجو کرد. از نگاه لغت‌شناسان «خدعه» به معنای پوشاندن و کتمان حقیقت است، ولی «غدر» به معنای شکستن و زیر پا گذاشتن عهد و پیمان است که ارتکاب آن به دلایل آیات و روایات و قواعد مسلم فقهی حرام است و این حکم بین کافر و مسلمان مشترک است. در حالی که آنچه در جنگ روانی کاربرد دارد «خدعه» است و به دلیل آیات و روایات و حکم عقل و اجماع فقهای امامیه جایز است.

از این‌رو، مشاهده می‌شود فقها خدعه در جنگ را جایز ولی غدر و خیانت و غلول را به طور مطلق حرام دانسته‌اند: «و یجوز الخدعة فی الحرب للمبارز و غیره، و یحرم الغدر بالکفار و الغلول منهم؛ خدعه برای مبارز در جنگ جایز است، ولی نیرنگ و حيله با کفار و سرقت اموال آن‌ها حرام می‌باشد» (حلی، ۱۴۱۳: ۱/۴۸۷).

ثانیاً: درباره روایت مورد استناد قائلان به عدم جواز نیز باید اشاره کرد که آنان به اطلاق روایت تمسک کرده‌اند، در حالی که این روایت مطلق نیست، بلکه دارای استثنایی است که از مهم‌ترین موارد آن‌ها جنگ است و این استثنا را در آیات و روایات می‌توان مشاهده کرد. آیات مقابله به مثل، مورد استثنای این حکم‌اند. نیز استثنای موارد جواز خدعه و جنگ روانی در روایات، روایت مشهور «الحرب خدعة» است.

روایتی که به جواز رجزخوانی و شعار در جنگ اشاره دارد

«رجز» در لغت به معنای «اضطراب» است (اصفهانی راغب، ۱۴۱۲: ۳۴۱) و اصطلاحاً به اشعار و عبارات مسجع و حماسی گفته می‌شود که مشتمل بر تفاخر به نژاد و نسب و نیز تهدید دشمن و... است و بدین سبب باعث تهییج، تشجیع و تقویت روحیه خود و همچنین نیروهای خود و انداختن رعب و اضطراب در جبهه دشمن در میدان جهاد و دفاع شود (میرزای قمی، ۱۴۱۸: ۳/۲۴۶۱).

از این‌رو، رجزخوانی از تاکتیک‌های جنگ روانی است که به منظور تقویت روحیه رزمندگان و در مقابل تضعیف نیروهای دشمن، در میدان نبرد از آن استفاده می‌شود و در موارد فراوانی در سنت و سیره پیامبر اسلام و معصومان^ع به خصوص توسط پیامبر اسلام و امام علی^ع و امام حسن^ع و امام حسین^ع، به کار رفته است.

بر اساس این سنت قطعی، فقها استفاده از رجز و عبارات مسجعی را که باعث تشجیع نفس و نیز تحریک برای حضور در میدان جهاد می‌شود مباح و جایز و آن را از دایره غنا خارج دانسته‌اند. در این باره میرزای قمی می‌نویسد: «فلا یصح جعله قسماً للغناء و من جملة کیفیات الصوت التي لها تأثير؛ قرار دادن رجزیات به عنوان قسمی از غنا صحیح نمی‌باشد، بلکه آن از کیفیات صوتی است که آثار مفیدی دارد (میرزای قمی، ۳۸۱/۲: ۳۸۱/۲).

همچنین درباره شعار در جنگ‌های صدر اسلام، امام صادق^ع می‌فرماید:

شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ وَ شِعَارُنَا يَوْمَ بَدْرٍ يَا نَصْرَ اللَّهِ أَقْتَرَبَ أَقْتَرَبَ وَ شِعَارُ الْمُسْلِمِينَ يَوْمَ أُحُدٍ يَا نَصْرَ اللَّهِ أَقْتَرَبَ وَ يَوْمَ بَنِي النَّضِيرِ يَا رُوحَ الْقُدْسِ أَرْحُ وَ يَوْمَ بَنِي قَيْنِقَاعٍ يَا رَبَّنَا لَا يَغْلِبُنَاكَ وَ يَوْمَ الطَّائِفِ يَا رِضْوَانَ وَ شِعَارُ يَوْمِ حُنَيْنٍ يَا بَنِي عَبْدِ اللَّهِ [يَا بَنِي عَبْدِ اللَّهِ] وَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ حَم* لَا يَنْصُرُونَ وَ يَوْمَ بَنِي قَرْيَظَةَ يَا سَلَامَ أَسْلِمَهُمْ وَ يَوْمَ الْمُرَيْسِيعِ وَ هُوَ يَوْمُ بَنِي الْمُصْطَلِقِ أَلَا إِلَى اللَّهِ الْأَمْرُ وَ يَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ أَلَا لِنَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَ يَوْمَ خَيْبَرَ يَوْمَ الْقَمُوصِ يَا عَلِيُّ آتَيْهِمْ مِنْ عُلٍّ وَ يَوْمَ الْفُتُوحِ نَحْنُ عِبَادُ اللَّهِ حَقًّا حَقًّا وَ يَوْمَ تَبُوكَ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ وَ يَوْمَ بَنِي الْمُلُوحِ أَمِثْ أَمِثْ وَ يَوْمَ صِفِّينَ يَا نَصْرَ اللَّهِ وَ شِعَارُ الْحُسَيْنِ * يَا مُحَمَّدُ وَ شِعَارُنَا يَا مُحَمَّدُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۷).

روایاتی که بر استفاده از تکنیک‌های جنگ روانی دلالت دارد

از ادله جواز جنگ روانی می‌توان به روایاتی اشاره کرد که دلالت بر جواز استفاده از تکنیک‌های جنگ روانی به منظور تقویت روحیه نیروهای خود و تضعیف روحیه دشمن مقابل دارد.

از مهم‌ترین این تکنیک‌ها می‌توان به تحریک، قدرت نمایی، سکوت، تشجیع اشاره کرد که نمونه‌های متعدد و فراوان آن را می‌توان در سنت و سیره امام علی × مشاهده نمود. در اینجا برای توضیح ماهیت تکنیک‌های جنگ روانی، به نمونه‌های این تکنیک‌ها در سیره و سنت امام علی × اشاره می‌شود:

تحریک

در این روش با اقدامی از جمله دادن اطلاعات آگاهی دهنده، بر حالات رفتار و جهت‌گیری دیگران اثر می‌گذارند و احساسات آن‌ها تحریک می‌شود و باعث جذب آنان به سوی اهداف مورد نظر می‌گردد.

در این باره امام علی × در خطبه‌ای با توصیف ددمنشی دشمن، این‌گونه احساسات را برمی‌انگیزاند:

به خدا سوگند، هر کس که دشمن را برخویشتن چیره گرداند، دشمن گوشت او را چنان بخورد که جز استخوان‌هایش بر جای نماند و او استخوانش را در هم بشکند و پوستش را بر کند؛ هر آنکه در ماندگی او بسیار و دل او بس ناتوان است. تو اگر می‌خواهی چنین باش.

قدرت‌نمایی

از شیوه‌ها جنگ روانی، قدرتمند نشان دادن خود و جبهه خودی و از طرف دیگر کوچک و تحقیر نمودن دشمن و نیروهای اوست. امام در نامه ۴۵ با قاطعیت این‌گونه قدرت‌نمایی می‌کند:

به خدا قسم، اگر من به تنهایی با آن‌ها برخورد کنم و آنان همه زمین را پر کرده باشند هیچ باکی ندارم و نمی‌هراسم ... به خدا قسم باطل را می‌شکافم تا حق را از درون آن بیرون کشم (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۴۵).

تشجیع

روش تشجیع مبتنی بر انگیزتن شور و شوق تلاش و حرکت افراد به سوی هدف‌های مورد نظر و همچنین تقویت عواطف و احساسات و رفتار آنان است. امام علی × در نهج البلاغه بارها به تشجیع و تقویت روحیه جنگاوری در سپاهیان خود پرداخته است:

وَ اطْعَمُوا الشَّرَّزَّ وَ نَافِحُوا بِالطُّبَا وَ صَلُّوا السُّيُوفَ بِالْخَطَا وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ بَعَيْنِ اللَّهِ وَ مَعَ ابْنِ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ؛ با گوشه چشم به دشمن بنگرید و ضربت را از چپ و راست فرود آورید و با تیزی شمشیر بزنید با گام برداشتن به پیش، شمشیر را به دشمن برسانید و بدانید در پیش روی خدا و پسر عموی او قرار دارید (سید رضی، ۱۴۱۴: ۶۳).

حضرت در جنگ صفین، در پیامی به لشکر خود این‌گونه آنان را تشجیع می‌فرمود:

... آنگاه زخم سینه من بهبود می‌یابد و آتش خشم فرو می‌نشیند که بنگرم شمشیر می‌کشید و با نیزه ضربه می‌زنید، و صف‌های مقدم سپاه دشمن، مانند شترانی تشنه‌کام رها شده و آواره که از آبگیرهای خود رانده می‌شوند، به خود راه نمی‌یابند و صف‌های آخر آن‌ها، در هم می‌ریزد (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۰۷).

روشنگری

در این تکنیک جنگ روانی، وظیفه اساسی آشنا ساختن مخاطبان با حقایق و اهدافی است که باید در پیش بگیرند. به عبارت دیگر، در این روش تلاش بر این است که درک منحرف و نامتوازن مخاطبان به حقیقت همسان و هماهنگ شود. در این باره امام علی × در بیانی روشنگرانه در مورد خوارچ می‌فرماید:

«گروهی قرآن می‌خوانند ولی از استخوان ترقوه آنان بالاتر نمی‌رود. این‌ها از دین خارج می‌شوند همان‌گونه که تیر از کمان خارج می‌شود، خوشا به حال کسی که آن‌ها را بکشد و یا آن‌ها او را به شهادت برسانند.» در جنگ جمل فردی از صحابه در

منحرف شدن طلحه و زبیر و همچنین عایشه تردید کرده بود؛ چرا که در قرآن آمده است: «همسران پیامبر، مادران مؤمنانند» او با تردید از حضرت پرسید: چطور می شود آنان اشتباه کنند؟ حضرت در جواب وی به روشنگری پرداخت و فرمود:

سرت کلاه رفته و حقیقت بر تو اشتباه شده. حق و باطل را با میزان قدر و شخصیت افراد نمی توان شناخت. این صحیح نیست که تو اول شخصیت هایی را مقیاس قرار دهی و بعد حق و باطل را با این مقیاس ها بسنجی... اشخاص نباید مقیاس حق و باطل قرار گیرند. این حق و باطل است که باید مقیاس اشخاص و شخصیت آنان باشد.

استفاده از شیوه های جنگ روانی با هدف تشجیع و تقویت روحیه نیروهای خود در نزد فقها به اندازه ای اهمیت دارد که برخی از فقهای بزرگ استفاده از آلات لهوی غنا را در به کارگیری تکنیک های جنگ روانی به منظور تقویت روحیه نیروها جایز می شمارند. در این باره کاشف الغطاء معتقد است:

«يجوز استعمال آلات اللهو واللعب والغناء والأموال المشجعة للناس إذا توقف عليها نظم الجنود وقطع دابر المعاندين إخوان الشياطين» (کاشف الغطاء، بی تا: ۴۰۷). این فتوا در حالی است که به اجماع فقها استفاده از آلات لهو و لعب و نیز غنا جایز نیست و حرام است، ولی به اعتقاد کاشف الغطاء وقتی مصلحت بزرگی مانند تحریک غیظ و غضب در برابر دشمنان و تقویت نیروهای خودی در جنگ در برابر کافران باشد، استفاده از این آلات و غنا نیز جائز شمرده می شود.

ج. عقل

سند دیگر جواز جنگ روانی عقل است. بدون تردید عقل با شناخت موضوع (نفوذ اجانب و بیگانگان بر مسلمانان به وسیله جنگ روانی و ایجاد اختلال گسترده) و مفسادی که بر آن مترتب است، در ناروایی و قبح این عمل تردید نمی کند، زیرا این عمل از مصادیق بین ظلم است و ظلم به حکم عقل قبیح است، همان طور که دفاع از جان و مال، حکمی است عقلی و عقل حکم می کند که انسان در برابر تجاوزی که جان، مال و ناموس انسان را تهدید می کند از خود دفاع کند و از هر روش و سلاح و حربه ای که مؤثر باشد، بهره برد. یکی از این سلاح ها که بی شک تأثیر فراوانی دارد انواع عملیات روانی است.

د. اجماع

اجماع دلیل دیگری است که جواز جنگ روانی به آن مستند گردیده است. در این باره محقق سبزواری در کتاب مذهب الاحکام، قائل به جواز استفاده از روش ها و تاکتیک های جنگ روانی در مقابله با دشمن شده است (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۵/۱۲۷). همچنین مرحوم نجفی در این باره می نویسد:

نعم تجوز الخدعة في الحرب كما صرح به الفاضل في جملة من كتبه، بل في التذكرة و المنتهى دعوى الإجماع، قال: تجوز المخادعة في الحرب و أن يخدع المبارز قرينه ليتوصل بذلك إلى قتله إجماعاً (نجفی، همان: ۲۱/۷۹)؛ خدعه و نیرنگ در جنگ چنان که علامه حلی در تذکره و المنتهی نیز ادعای اجماع نموده است و در این باره نوشته است: نیرنگ و خدعه در جنگ جائز است و جائز است که مبارزه کننده برای رسیدن به هدف و مقصودش که کشتن دشمن است به خدعه و نیرنگ متوسل گردد و این حکم اجماعی است.

از این رو، در اجماع بر جواز جنگ روانی نزد فقیهان تردیدی نیست؛ البته در صورتی که خدعه را مساوی با جنگ روانی بدانیم که درباره ارتباط این دو مفهوم پیش تر توضیحاتی دادیم. در اینجا ممکن است اشکال در سندیت اجماع به عنوان دلیل مستقل در کنار سایر ادله مطرح شود. برخی در این باره چنین نگاشته اند:

کونه من الإجماع المصطلح - عند الأصولی الذی أثبتنا حجیته - فی غایة الإشکال بل معلوم العدم؛ لأن الظاهر أن المتفقین یعمدون علی هذه الأدلة المذكورة. وقد حَقَّقْنَا فی الأصول أن مثل هذا الإجماع لا یوجب الحدس القطعی برأی الإمام X (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/۱۹۱).

از این رو، از آنجا که این اجماع مدرکی است نمی توان آن را دلیل مستقلاً قلمداد کرد.

قاعده فقهی حرمت اختلال نظام

همان‌گونه که اشاره شد، امروزه از عوامل اغتشاش و اختلال در نظام اسلامی، به کارگیری سلاح‌ها و تهدیدهای روانی برای تسلط و سیطره بر جامعه مسلمانان است. وجوب حفظ اسلام، کشورهای اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان از خطر انواع تعرض‌ها به خصوص تعرض‌های روحی و روانی دشمنان اسلام و بیگانگان، یکی از مسائل مسلم و مورد اتفاق فقهای شیعه، بلکه همه مسلمانان است و فقیهان امامیه، بر این اساس دفاع در مقابل بیگانگان را بدون هیچ قید و شرطی بر همگان واجب می‌دانند. در این باره امام خمینی & در تحریر الوسیله می‌فرماید:

لو غشی بلاد المسلمین أو ثغورها عدو یخشی منه علی بیضة الإسلام و مجتمعهم ینبغ علیهم الدفاع عنها بأیة وسیلة ممکنة من بذل الأموال و النفوس؛ اگر دشمن به شهرهای مسلمانان یا مرزهای آنان هجوم آورد و کیان اسلام یا جامعه مسلمانان در خطر باشد، بر مسلمانان واجب است به هر وسیله ممکن از مال و جان دفاع کنند (خمینی، بی‌تا: ۱/ ۴۸۵).

حفظ نظام و لزوم دفاع در برابر انواع تجاوزها به اندازه‌ای حائز اهمیت است که مقدم بر فرائض دیگر است. در این باره امام خمینی & می‌فرماید:

افزون بر اینکه حفظ نظام اسلامی واجب است، از آنجا که مهم‌ترین فریضه اسلامی است، هرگاه در مقام عمل تراحمی میان آن و دیگر احکام شرعی قرار بگیرد باید دیگر فرائض در آستانه آن قربانی شوند... (خمینی، ۱۳۶۸: ۲۰/ ۱۷۰).
التبیه باید اشاره کرد فقهای شیعه به طور مستقل درباره اختلال نظام بحث نکرده‌اند، ولی از سخنان آنان در موارد گوناگون به دست می‌آید که وجوب حفظ نظام جامعه از مسلمات فقه شیعه است. به عنوان نمونه، در علم اصول در بحث از دلیل انسداد، برای اثبات عدم وجوب احتیاط می‌گویند: احتیاط مستلزم اختلال نظام زندگی مردم است، پس جائز نیست بلکه حرام است، زیرا حفظ نظام واجب و اختلال نظام حرام است و چون احتیاط سبب اختلال نظام می‌شود، حرام است.

حضرت امام خمینی & بر بطلان احتیاط در همه وقایع، به دو دلیل استدلال کرده است: اول: اجماع بر عدم وجوب آن، دوم اینکه احتیاط مستلزم عسر و حرج، بلکه اخلال نظام است. اگر اختلال نظام لازم آید سخنی در آن نیست؛ چرا که اختلال نظام از مواردی است که عقل حکم به قبح آن می‌نماید (خمینی، بی‌تا: ۱/ ۳۶۴).

از این رو، می‌توان چنین استنباط کرد که بر اساس دیدگاه فقها اختلال نظام مسلمانان در امور معیشت و زندگی آن‌ها حرام است و دفاع در برابر این تهاجمات واجب است و به موجب مسلمات فقهی باید با هرگونه اختلال که باعث می‌شود جامعه مسلمانان به مخاطره افتد، دفاع و مقابله کرد و برای جلوگیری از اختلال نظام و حفظ آن استفاده از انواع جنگ روانی لازم است.

نتیجه

جنگ روانی با عنایت به این مفهوم که بهترین سیاست‌ها در جنگ، تسخیر سرزمین بدون خونریزی است و اینکه بالاترین هنر، پیروزی در نبرد نیست، بلکه تسلیم کردن دشمن بدون پیکار و خونریزی است، پارادایمی نو در عرصه روابط بین‌الملل ایجاد کرده است. این‌گونه جنگ اهداف متعددی را دنبال می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها از پای درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا با سست کردن حلقه‌های فکری و فرهنگی، در نظام سیاسی اجتماعی تزلزل و بی‌ثباتی ایجاد کند. این مسئله در فقه و کلام فقها مدنظر بوده و فقها نیز با استناد به ادله اربعه فقه یعنی قرآن، سنت، اجماع و عقل و همچنین قاعده فقهی وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال آن، به جواز چنین جنگی علیه دشمن فتوا داده‌اند.

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الاصول، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۴ق.
ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری، سیره ابن هشام، با تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الیاری و عبدالحفیظ شلبی، مصر، مطبعة البانی، ۱۳۵۵ق.

اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران، المكتبة الجعفریة، بی تا.

_____ مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.

افتخاری، اصغر، دانش نامه قدرت نرم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۹۳ق.

جبعی عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مؤسسة دارالمعارف اسلامیة، ۱۴۱۳ق.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

حسینی شیرازی، سید محمد حسینی، ایصال الطالب الی مکاسب، تهران، منشورات اعلمی، بی تا.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، بی تا.

_____ قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.

_____ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

خمینی، سید روح الله، انوار الهدایة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.

_____ تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، چاپ اول، بی تا.

_____ صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸.

_____ مکاسب المحرمة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.

خویی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.

ذوالفقاری، مهدی، اصول و مبانی عملیات روانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۹۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.

سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.

سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز، المراسم العلویة و الاحکام النبویة، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۹۳ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲.

طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیة، تهران، مكتبة المرتضویة لاحیاء الاثار الجعفریة، ۱۳۸۷.

_____ تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

عاملی شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه امامیة، بیروت، دارالتراث، بی تا.

عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، فوائد القواعد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

عاملى، شهيد اول، محمد بن مكى، الدروس الشرعية فى فقه الاسلاميه، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، ۱۴۱۷ق.

فاضل كاظمى، جواد، مسالك الافهام الى آيات الاحكام، بى جا، بى نا، بى تا.

فاضل مقداد، جمال الدين، كنز العرفان فى فقه القرآن، قم، بى نا، بى تا.

كاشف الغطاء، جعفر بن حضر مالكى، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، بى تا.

كركى، على بن حسين، جامع المقاصد فى شرح القواعد، قم مؤسسه آل البيت ^، ۱۴۱۴ق.

كلينى، ابو جعفر محمد بن يعقوب، الكافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

مراغى، سيد مير عبدالفتاح، العناوين الفقهية، بى جا، بى نا، بى تا.

ميرزاي قمى، ابوالقاسم، رسالة فى تحقيق الغناء، قم، نشر مرصاد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت، دار احياء التراث العربى، چاپ هفتم، ۱۹۸۱.

نورى، محدث، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت، مؤسسه آل البيت ^، ۱۴۰۸ق.

واقدى، محمد بن عمر، المغازى، بيروت، مؤسسة الاعلمى، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.

